

## ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی هویت دانشجویان بر مبنای مؤلفه‌های سنتی و مدرن (به تفکیک دانشگاه محل تحصیل)

رحمت‌الله صدیق سروستانی<sup>۱</sup>

استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

صلاح‌الدین قادری<sup>۲</sup>

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی نظری کاربردی دانشگاه تهران و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد واحد هشتگرد

### چکیده

مطالعه حاضر با رویکردی جامعه‌شناختی درصدد بررسی ابعاد هویت دانشجویان است. به منظور بررسی ابعاد هویت دانشجویان با توجه به دیدگاه نظریه‌پردازان ایرانی، حوزه هویت عرصه مواجهه سنت و مدرنیته به عنوان یکی از مهم‌ترین پدیده‌های اثرگذار بر هویت ایرانی مدنظر قرار گرفت. بر این اساس سعی شد ابعاد هویت دانشجویان با توجه به مؤلفه‌های سنتی و مدرن بررسی شود. فرض اصلی این پژوهش پیوندی بودن هویت دانشجویان به معنای ترکیبی از مؤلفه‌های هویتی سنتی و مدرن است. هر بُعد هویت (سنتی و مدرن) در وجه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی بررسی شده و برای هر یک از آنها شاخص‌هایی در نظر گرفته شده است. روش این مطالعه، پیمایش و گردآوری اطلاعات مبتنی بر پرسشنامه بود. جامعه آماری دانشجویان دانشگاه‌های تهران و جمعیت نمونه از ۶ دانشگاه تهران، شهید بهشتی، علامه طباطبایی، دانشگاه صنعتی شریف، دانشگاه الزهرا و دانشگاه جامع علمی - کاربردی انتخاب شدند. یافته‌های تحقیق نشان داد مؤلفه‌های مدرن هویت در بخش اجتماعی و فرهنگی نقش برجسته‌تری نسبت به مؤلفه‌های سنتی دارند. اما در بخش هویت سیاسی این مؤلفه‌های سنتی، یعنی گرایش به آمیختگی دین و سیاست و گرایش به اقتدارگرایی ملی و سیاسی است که در مقابل گرایش به وجود جامعه مدنی نقش برجسته‌تری در هویت دانشجویان دارد. بر اساس نتایج تحقیق، هویت دانشجویان نه یک سازه تک‌بعدی (سنتی یا مدرن) بلکه سازه‌ای پیوندی متشکل از مؤلفه‌هایی از هر دو بُعد سنتی و مدرن است.

کلیدواژه‌ها: مؤلفه‌های سنتی، مؤلفه‌های مدرن، هویت، هویت پیوندی.

## مقدمه و طرح مسئله

استقبال شتابزده، گسترده و مقلدمآبانه از فرایند مدرنیزاسیون که در کشورهای جهان سوم به یک مُد جمعی تبدیل شده بود، معضلات و مسائلی عمدتاً فرهنگی را برای این جوامع آفرید که هنوز هم دامن گیر آنهاست. بیشتر کشورهایی که امروز با نام کشورهای درحال توسعه و حتی نسبتاً توسعه یافته شناخته می‌شوند، با چالش‌های این فرایند مواجه بوده‌اند و مروری بر تاریخ معاصر نشانه‌های روشنی از این موضوع به دست می‌دهد. در موضوع مواجهه با فرایند تاریخی مدرنیته، بحث از کشورهای دارای فرهنگ و سنت‌های دیرینه (برای نمونه ایران، مصر و غیره) بسیار قدرتمندتر است زیرا نیرومندی بنیان‌برافکن مدرنیته در مقابل سنت تاریخی فرهنگی - دینی - سیاسی این جوامع قرار گرفته است. در پی این مقابله، ادبیاتی غنی در زمینه مدرنیته، مدرنیزاسیون و مدرن (با همه مخلفات و متعلقات آن) ایجاد شد و انواع گفتمان‌ها و پادگفتمان‌های بومی، محلی و بین‌المللی ظهور کردند.

یکی از محورهای اصلی این مناظرات فکری، موضوع هویت بوده است. اما در سطح کلی‌تر مسئله هویت، اصالت و مفاهیم مشابه، خاص هیچ فرد یا جامعه خاصی نیست و می‌توان گفت امری جهانی است. استوارت هال در یکی از نوشته‌هایش می‌نویسد: «من به پرسش هویت بازمی‌گردم، چراکه پرسش هویت به سوی ما بازگشته است» (هال، ۱۳۸۲: ۳۲۰). به نظر هال، در سیاست بریتانیایی و سیاست فرهنگی بریتانیا این پرسش دوباره مطرح شده اما نه در همان مکان سابق و با همان برداشت سنتی، بلکه در قالب هویت‌ها و نظریه‌های جدید. بنابراین علاوه بر پروبلماتیک نظری هویت موضوعاتی مانند نوستالژی هویتی، بحران هویتی، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی هویتی و مناظرات ناشی از بنیادگرایی هویتی در بیشتر جوامع، بخشی از نیروی برنامه‌ریزی سیاست‌گذاران و صاحب‌نظران را به خود اختصاص داده است.

در سطح جهانی، در سال‌های دهه ۱۹۹۰، هویت به یکی از چهارچوب‌های وحدت‌بخش در بحث‌های روشنفکری تبدیل شد. امروز چنان به نظر می‌رسد که همگان (جامعه‌شناسان، مردم‌شناسان، دانشمندان علوم سیاسی، روان‌شناسان، جغرافیدانان. تاریخ‌دانان، و فیلسوفان) حرفی برای گفتن راجع به آن دارند.

در سطح ملی، هویت برای ایران معاصر به هیچ وجه پرسش جدیدی نیست. تاریخ معاصر ایران به طرز خارق‌العاده‌ای با پرسش هویت، گفتمان‌های هویت، بحران هویت،



هویت بیگانه، هویت خودی و غیره هم‌نهاد و عجین شده است. این آمیختگی چنان است که می‌توان همه فرایندهای اجتماعی، فرهنگی، سیاسی اعم از مدرنیزاسیون، توسعه، مشروطه‌خواهی، قیام‌های اجتماعی، انقلاب اسلامی و غیره را حول محور هویت (پرسش هویت) صورت‌بندی دوباره‌ای کرد. در این زمینه، حجم مطالعات نظری، پژوهش‌ها، برنامه‌های فرهنگی، سیاست‌گذاری‌ها، قوانین و غیره شاخص مناسبی برای تأکید بر کانونی بودن موضوع هویت است. بر این اساس مقاله حاضر در نظر دارد مسئله هویت و ابعاد آن را در میان دانشجویان بررسی کند.

مسئله هویت در ایران اسلامی، در دهه‌های اخیر به‌خصوص دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ شمسی، توجه زیادی را برانگیخت. برنامه‌های رسمی دولتی، تألیفات، پژوهش‌ها و سمینارهای انجام‌شده در قلمرو موضوع هویت در این دهه‌ها نشانه اهمیت بسیار حیاتی هویت و موضوعات مرتبط با آن است. فراسوی این امر، حضور پرابلماتیک هویت در شرایط و ساختار اجتماعی و تأثیرگذاری آن در تصمیم‌گیری‌ها، سیاست‌گذاری‌ها و روابط فردی، گروهی و ملی سبب شده تا جدا از پارادایم فکری اندیشمندان و فارغ از توجه ایجابی و سلبی آنها به موضوع، هویت، خود را به مثابه یک مسئله اجتماعی بر علوم انسانی و پژوهشگران این حوزه تحمیل کند.

اهمیت قشر دانشجویان به مثابه نقطه کانونی مسئله هویت، دست‌کم از نگاه نسل بزرگسال و برنامه‌ریز جامعه یک واقعیت است. شاید استنباط این باشد که شناخت ویژگی‌ها، نیازها و خواسته‌ها، منابع معرفتی و ابعاد هویتی آنها به برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران حوزه آموزش عالی کمک می‌کند تا برنامه‌ریزی‌ها، استراتژی‌ها و خط‌مشی‌هایی که برای این قشر طراحی می‌شود، آگاهانه و معطوف به نتیجه مثبت باشد زیرا بدون شناخت ابعاد هویتی دانشجویان، بسیاری از برنامه‌های آموزشی، فرهنگی و تبلیغی نه‌تنها نتیجه مثبت نخواهد داشت، بلکه عاملی برای موضع‌گیری و مقابله خواهد بود.

دانشجویان در مرکز فرایند تمایز و تشابه هویتی قرار دارند. علاوه بر جوانی، از یک سو فضای دانشگاه و سایر متعلقات آن که بیشتر موافق تغییر و تحول ویژگی‌های هویتی است، دانشجویان را با ویژگی‌های هویتی جدید آشنا می‌کند و از سوی دیگر، بدنه فرهنگی جامعه بزرگ‌تر معمولاً انتظار این‌همانی با فرهنگ سنتی و عناصر هویتی موجود را از آنها می‌طلبد. این وضعیت نامتعادل نه‌تنها منازعات هویتی را می‌آفریند، بلکه در بیشتر اوقات



به بروز هویت‌های ترکیبی و دورگه منتهی می‌شود که با هویت مورد انتظار جامعه و حتی خود نظام آموزش عالی نیز متفاوت است. به عبارت بهتر، جوان بودن دانشجویان به اضافه چندگانه‌شدن زیست - جهان‌های آنها (به قول برگر)، تأثیرات رسانه‌ای مدرنیته (به گفته گیبنز) و از دست رفتن ایمان به قطعیت و جاودانگی امور (به قول نظریه‌های گفتمانی یا پُست‌مدرنیستی) موجبات ترکیب‌های خاص هویتی دانشجویان را فراهم می‌آورد. در این موقعیت هویتی پیوندی، عناصر مختلفی از گفتمان‌های مختلف سنت (مانند مذهب)، مدرنیته (مانند ملی‌گرایی) و پست‌مدرنیته (مانند سبک زندگی) دیده می‌شود که موجب تفاوت هویتی قابل توجه بدنه دانشجویی با بدنه اصلی جامعه می‌شود. مقاله حاضر با اذعان به اهمیت موضوع، به بررسی ابعاد فرهنگی، اجتماعی و سیاسی هویت دانشجویان بر مبنای الگوی سنت و مدرن می‌پردازد.

دلیل انتخاب الگوی سنت و مدرن برای تبیین ابعاد هویتی دانشجویان، تأکید نظریه‌پردازان داخلی (فردید، آل احمد، شایگان، داوری، سروش و غیره) بر نقش مدرنیته، ورود آن به ایران و چگونگی تعامل با غرب بر سر مسئله هویت است. تلاش عمده این صاحب‌نظران حول این محور متمرکز شده که در صورت استقبال از موج‌های مدرنیته چه سرنوشتی در انتظار داشته‌های فرهنگی - تاریخی ما خواهد بود؟ صورت‌بندی رهیافت‌های تعامل با غرب، در حقیقت بیان این نکته است که مسئله مشترک ایران در تاریخ معاصر آن، مسئله‌ای فرهنگی است و این پروبلماتیک فرهنگی چیزی جز مسئله هویت و موضوعات پیرامون آن نیست. به علاوه، این مسئله به صورت آشکار، اما متفاوت در همه سطوح جامعه، اعم از روشنفکران و گفتمان‌های روشنفکری، مسئولان نظام سیاسی و توده مردم دیده می‌شود. لذا مسئله هویت به شکلی بسیار بنیادی و جدی در فرایندهای مدرنیزاسیون و به تبع آن غرب و جوامع غربی، به مثابه هویت‌های دیگری ایرانی درگیر و پیچیده شده است. در این مقاله تلاش شده نقش زیست - جهان دانشگاه محل تحصیل دانشجویان بر گرایش به مؤلفه‌های سنتی و مدرن هویت بررسی شود، زیرا دانشگاه به عنوان یک نهاد آموزشی مدرن با آموزه‌های مدرن یکی از اساسی‌ترین نهادهای تأثیرگذار بر حوزه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در تاریخ ایران معاصر است.

هویت در مقاله حاضر از بعدی جامعه‌شناختی مورد بررسی قرار گرفته است و به عنوان یک سازه اجتماعی تعریف شده است. در دیدگاه‌های جدید در مورد هویت، بعد اجتماعی



آن بیشتر مد نظر قرار گرفته است. براساس منابع جدید "هویت باید به عنوان سازهای که در روابط بین‌شخصی ساخته میشود درک شود نه به عنوان احساس تعلق کردن در چارچوب فردیت شخصی. هویت یک سازه اجتماعی است؛ به طور اجتماعی تثبیت می‌شود و از زندگی اجتماعی روزمره مردم بیرون می‌آید" (لاور، ۲۰۰۸: ۸).

در توضیح و تعریف مفاهیم سنت و مدرن، منظور از سنت: فرایندهای سنتی، نظم سنتی یا جامعه سنتی است که نظامی اجتماعی است و بر اساس مشیت الهی شکل گرفته، و منظور از مدرن: فرایندهای مدرن، نظم مدرن یا جامعه مدرن است که نظامی اجتماعی است و انسان در مرکز آن قرار دارد. این دو فرایند هم‌اکنون درهم‌تنیده شده‌اند؛ به عبارت دیگر تمایز سنتی و مدرن صرفاً ابزاری تحلیلی است و نه تمایزی انضمامی و عینی. به گفته نگری و هارت امروزه ما جهان سوم را در درون جهان اول و جهان اول را در درون جهان سوم می‌یابیم (نگری و هارت، ۱۳۸۶). اما این امر دلیل بر این نیست که نتوان آنها را از نظر تحلیل، از هم متمایز ساخت. در حقیقت جامعه مدرن به عنوان یک ابزار تحلیلی با نفی جامعه سنتی مشخص می‌شود. بر این اساس مقاله حاضر درصدد بررسی هویت دانشجویان بر مبنای ابعاد سنتی و مدرن است و به منظور این بررسی هر یک از ابعاد سنتی و مدرن در قالب مؤلفه‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی مورد کنکاش قرار گرفته‌اند.

### پرسش‌ها

۱. هویت دانشجویان مشغول به تحصیل در دانشگاه‌های تهران تا چه اندازه بر الگوی سنتی یا مدرن منطبق است؟
۲. دانشگاه محل تحصیل دانشجو (بر مبنای رشته و جنسیت) به عنوان یک زیست - جهان چه نقشی در بر شکل‌گیری هویت سنتی، مدرن یا پیوندی دارد؟
۳. در میان دانشگاه‌های مهم در تهران، چه تفاوتی میان گرایش دانشجویان (شاغل به تحصیل در این دانشگاه‌ها) به مؤلفه‌های سنتی و مدرن وجود دارد؟

### چارچوب نظری

در حوزه مطالعات مربوط به هویت در مجموع می‌توان سه رویکرد هویتی را از هم تفکیک کرد: الف) رویکرد ذات‌گرا، ب) رویکرد برساخت‌گرا و ج) رویکرد گفتمانی (تاجیک،





۱۳۸۴: ۴۳-۴۴). چهارچوب نظری مقاله حاضر رویکرد برساخت‌گرایی است.

بر اساس آموزه‌های رویکرد برساخت‌گرایی، هویت از جایی نیامده و انسان‌ها نیز آن را در جایی کشف نکرده‌اند، بلکه حاصل شرایط اجتماعی و کنش انسان‌هاست. هویت امری طبیعی، ذاتی و از پیش موجود نیست، بلکه همیشه باید ساخته شود. انسان‌ها باید همواره چیزها یا اشخاص را طبقه‌بندی کنند و خود را در داخل آن طبقه قرار دهند. به بیان دیگر، هویت را فقط می‌توان از طریق انکار آگاهانه ابهام و کنارگذاشتن تفاوت‌ها کسب کرد.

عده‌ای هویت را برساخته‌ای «معرفتی» می‌دانند (سروش به نقل از تاجیک، ۱۳۸۴: ۴۴). در چهارچوب همین رویکرد، عده‌ای هویت را به مثابه برساخته‌ای ایدئولوژیک، برساخته‌ای جغرافیایی - سیاسی یا فرهنگی تلقی می‌کنند. در برساخت‌گرایی فرهنگی، فرهنگ مهم‌ترین و غنی‌ترین منبع هویت است. افراد و گروه‌ها همواره با توسل به اجزا و عناصر فرهنگی گوناگون هویت می‌یابند، زیرا این اجزا و عناصر توانایی چشمگیری در تأمین نیاز انسان‌ها به متمایز بودن و ادغام شدن در جمع دارند. از این دیدگاه، فرهنگ مقوله‌ای تفاوت‌مدار است و شیوه زندگی خاصی را می‌سازد. این تفاوت و خاصیت، نه تنها امکان هویت‌یابی را فراهم می‌سازد، بلکه به زندگی انسان‌ها نیز معنا می‌بخشد.

بر اساس نظریات رویکرد برساخت‌گرایی، هویت برساخته‌ای اجتماعی، دارای سطوح مختلف، سیال و نامتعین است. رویکرد برساختی در مقام عمل و در پاسخ به پرسش از واقعیت‌های موجود، هیچ کمبودی احساس نخواهد کرد، درحالی‌که در رویکردهای ذات‌گرا و گفتمانی این پرسش‌ها در موارد بسیاری بی‌پاسخ می‌ماند. برای مثال ذات‌گرایان نمی‌دانند در قبال تغییرات به‌وجودآمده در جهان واقعیت، چه واکنشی نشان دهند. مشکل اصلی رویکرد گفتمانی، تقلیل امور و واقعیت‌های انضمامی و اساساً همه چیز به «زبان» است.

ویژگی دیگر رویکرد برساختی این است که منابع هویتی را نه در جهان مطلق و انتزاعی و نه در جهان زبانی بلکه در جهان واقعی می‌جوید. یکی دیگر از مفروضات این چهارچوب نظری، چندبعدی بودن هویت‌هاست. بر اساس نظریه برگر جهان‌پساستی (مدرن) جهان چندگانه شدن قلمروهای عمومی و خصوصی است. این چندگانگی زیست - جهانی در زندگی روزمره فرد حضور پیدا می‌کند و برنامه‌ریزی‌های متکثر از سوی وی را سبب می‌شود. در این برنامه‌ریزی هویت فرد نیز لحاظ می‌شود، زیرا فرد در برنامه‌ریزی

بلندمدت زندگی خود در زمینه اینکه چه کسی خواهد بود، برنامه‌ریزی می‌کند. مرکزیت این برنامه‌ریزی معنایی است که او به زندگی نامۀ خویش و نیز معانی فراگیر جامعه نسبت می‌دهد که همگی به بروز پیامدهای بسیار مهم هویتی برای فرد می‌انجامند. در اینجا فرد هویت را از طریق تعریف خود به دست می‌آورد، بنابراین هویت، بخشی از یک ساختار معین آگاهی است (برگر و دیگران ۱۳۸۱: ۷۳-۸۵).

موضوع آگاهی از هویت در تعریف جنکینز از هویت نیز عنصری محوری است. به نظر او «فعل شناسایی، لازمه هویت است» اما جنکینز از این فراتر رفته و معتقد است هویت صرفاً وجود اطلاعات نیست بلکه باید به این امر توجه کرد که «هویت چگونه عمل می‌کند» و نیز باید «فرایندی و تأملی بودن هویت و تعامل آن با نهادهای اجتماعی» را در نظر داشت.

بر اساس مطالب گفته شده، مجموعه عواملی در شکل‌گیری سازه هویت دست‌اندرکارند. با توجه به مطالعات نظری و تجربی داخل کشور، اگرچه توافق و اجماع کاملی وجود ندارد، اما در مجموع می‌توان گفت بر مبنای دیدگاه نظریه‌پردازان داخلی در مورد عناصر هویت ایرانی، مهم‌ترین عناصر تعیین‌کننده هویت ایرانی عبارتند از: زبان فارسی (شادمان، ۱۳۸۲؛ مسکوب، ۱۳۷۹؛ سروش، ۱۳۷۵)، مذهب تشیع (عنایت، ۱۳۵۱؛ شریعتی، ۱۳۶۰)، دین اسلام (نصر، ۱۳۷۲؛ کچویان، ۱۳۸۴)، فرهنگ شرقی (شایگان، ۱۳۵۶)، مدرنیته (بروجردی، ۱۳۷۷) و تاریخ ملی. در مورد مبانی نظری هویت نیز در مجموع، از منابع زندگی روزمره (سبک زندگی، اعتماد به دیگران، رؤیاهای شخصی، تن، برنامه زندگی، فرایندهای جاری تعامل، آگاهی، زیست - جهان)، زمان (گذشته، تاریخ، خاطره جمعی، روایت ملت، سنت‌های اختراعی، اسطوره بنیادین)، مکان (جغرافیا، تعلق به مکان)، نهادها (موقعیت‌های نهادی، دستگاه قدرت، فرایند اجتماعی شدن، قدرت و سیاست، خویشاوندی)، زیست‌شناسی (جنسیت)، وحی و الهام‌های دینی، قومیت، نظام فرهنگی و رسانه‌ها نام برده شده است.

مقایسه این دو دسته عوامل نشان می‌دهد بخش زیادی از عوامل مؤثر در برساختن هویت در هر دو گروه مشترک هستند که از جمله این موارد می‌توان به عنصر زمان یا تاریخ، ملیت، دین (البته با توجه به تفاوت بنیادی در برداشت از دین)، مدرنیته، مکان و عناصر فرهنگی مانند زبان، سنت و عرف اجتماعی اشاره کرد. در بخش مبانی نظری مربوط به هویت به عناصری اشاره شده که در بخش دیگر به آن توجهی نشده است؛ از



جمله می‌توان زندگی روزمره، نهادهای اجتماعی، قومیت و جنسیت را نام برد. از لحاظ تحلیل گفتمانی، عدم توجه به این عناصر ناشی از این واقعیت است که در ایران مطالعات هویتی به‌طور کلی به دلیل باور بنیادی به گفتمان ملی‌گرا، عموماً هویت را معادل هویت ملی گرفته‌اند و در بیشتر موارد از سایر ابعاد هویتی غافل بوده‌اند. بر این اساس سعی ما در این مقاله این است که سایر ابعاد هویت از جمله هویت فرهنگی، سیاسی و اجتماعی را بررسی کنیم و به نقش عواملی مانند زندگی روزمره، نهادهای اجتماعی، قومیت و جنسیت که عمدتاً در چند دهه اخیر وارد تحلیل‌های جامعه‌شناختی شده‌اند، توجه کنیم.

نکته مهم دیگر تعدد منابع هویتی است. در کل مجموعه‌ای از عناصر هویت را برمی‌سازند. با توجه به اینکه وزن هر کدام از این عناصر در ترکیب متفاوت است، بنابراین تعدد منابع هویت مذکور دال بر این واقعیت است که شاکله هویت ایرانی در همه سطوح آن سامانه‌ای ترکیبی و پیوندی (دورگه) دارد.

ما معتقدیم دانشجویان ایرانی هویتی دارند که ابعاد مختلفی دارد و بسته به وزن هر کدام از این ابعاد، سازه هویتی آنها رنگ و بوی خاصی خواهد داشت. ضمن اینکه به دلیل تغییرات فردی و جمعی، این شاکله هویتی ثابت نبوده و در حال تغییر است. یادآوری می‌شود یکی از عوامل مؤثر بر این تغییر خود، ویژگی جوان بودن است. جوانی دوره یادگیری و تغییر است و تغییرات هویتی نیز امری طبیعی است زیرا به‌نظر می‌رسد بعد از سنین جوانی ویژگی‌های هویتی نیز به ثبات بیشتری برسند. بر اساس مباحث گفته‌شده و منابع موجود در حوزه هویت و به منظور سنجش هر یک از مؤلفه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، شاخص‌هایی تعیین و سپس سنجه‌های مربوط به هر شاخص ارائه شد. به دلیل گستردگی سنجه‌ها از آوردن آنها خودداری شده است.





## جدول شماره ۱. شاخص‌های ابعاد هویت

|              |   |           |
|--------------|---|-----------|
| هویت فرهنگی  | دین‌نهادی، تاریخ اصیل و گذشته‌محور، فرهنگ به‌ارث‌رسیده و انتسابی، پدرسالاری                             | هویت سنتی |
| هویت اجتماعی | فقدان هویت جنسی، آداب و رسوم سنتی، روابط خویشاوندی، فراغت محدود، مرجعیت خدا، پدر و غیره                 |           |
| هویت سیاسی   | عدم تفکیک دین و دولت، اقتدار ملی، فرد و شهروند، حوزه عمومی و خصوصی، سیاست حزبی دینی و محافظه‌کار        |           |
| هویت فرهنگی  | دین شخصی، تاریخ زمان حال و آینده، فرهنگ اکتسابی و مدرن، تأکید بر عقل، برابری زن و مرد                   | هویت مدرن |
| هویت اجتماعی | تأکید بر هویت جنسی برابرطلب، سبک زندگی متنوع، اوقات فراغت متنوع و فردی                                  |           |
| هویت سیاسی   | تفکیک دین و دولت، جامعه مدنی و دولت، سیاست حزبی لیبرال، سوسیالیست غیره، تفکیک حوزه عمومی و خصوصی و غیره |           |

### روش‌شناسی

مطالعه ابعاد هویت دانشجویان نیازمند بررسی هویت و مؤلفه‌های آن در میان دانشجویان در زیست - جهان‌های اجتماعی متفاوت بر مبنای مقطع تحصیلی، رشته، دانشگاه محل تحصیل و جنسیت است. بر اساس پیش‌فرض اولیه طرح حاضر، دانشجویان به دلیل آشنایی با منابع معرفتی جدید و تجربه زیست - جهان‌های چندگانه دارای ابعاد هویتی متفاوت و گوناگون هستند. لذا هویت دانشجویان و مؤلفه‌های هویتی آنان قالب مشخص و ثابتی نیست بلکه هویتی سیال و دارای ابعاد مختلف است. داده‌های استفاده‌شده در این مقاله، حاصل طرح پژوهشی بررسی جامعه‌شناختی ابعاد هویت دانشجویان است که با حمایت مالی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی در سال ۱۳۸۷ به انجام رسیده است. داده‌ها با استفاده از روش پیمایش در میان دانشجویان مشغول به تحصیل در دو مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد در ۵ مراکز آموزش عالی وابسته به وزارت علوم تحقیقات و فناوری در شهر تهران (دانشگاه تهران، دانشگاه شهید بهشتی، دانشگاه الزهراء، علامه طباطبایی، دانشگاه صنعتی شریف و



دانشگاه جامع علمی - کاربردی جمع‌آوری شده است. تعداد نمونه نهایی تحلیل شده ۹۶۹ مورد بود؛ ۶۴۵ نمونه از مقطع کارشناسی و ۳۱۵ نمونه از مقطع کارشناسی ارشد. نمونه‌گیری به شکل تصادفی طبقه‌بندی شده از میان دانشکده‌های دانشگاه‌ها انتخاب شدند. اعتبار و روایی شاخص‌ها با استفاده از دو تکنیک تحلیل عامل (به منظور سنجش اعتبار) و آلفای کرونباخ (به منظور سنجش پایایی) استفاده شده است. همسان کردن سطح سنجش گویه‌ها انجام شده و از مجموع ۲۲ شاخص در نظر گرفته شده برای ابعاد سنتی و مدرن هویت، ۱۱ شاخص ساخته شده که عبارتند از:

جدول شماره ۲. بررسی روایی و اعتبار شاخص‌های مربوط به ابعاد هویت یافته‌ها

| Alpha | KMO  | شاخص                     |                   |
|-------|------|--------------------------|-------------------|
| ۰/۷۸  | ۰/۸۱ | پدرسالاری                | هویت فرهنگی سنتی  |
| ۰/۶۰  | ۰/۷۱ | دین‌نهادی                |                   |
| ۰/۶۰  | ۰/۵۸ | هویت سیاسی سنتی          | هویت سیاسی سنتی   |
| ۰/۶۶  | ۰/۷۴ | اقتدارگرایی              |                   |
| ۰/۸۲  | ۰/۸۴ | آمیختگی دین و سیاست      |                   |
| ۰/۷۸  | ۰/۸۱ | برابری زن و مرد          | هویت فرهنگی مدرن  |
| ۰/۶۱  | ۰/۶۸ | دین شخصی                 |                   |
| ۰/۶۰  | ۰/۶۹ | اهمیت زندگی فردی         | هویت اجتماعی مدرن |
| ۰/۶۷  | ۰/۶۹ | هویت جنسی برابری         |                   |
| ۰/۶۹  | ۰/۷۵ | سبک زندگی مدرن           |                   |
| ۰/۶۳  | ۰/۵  | گرایش به وجود جامعه مدنی | هویت سیاسی مدرن   |



در مقاله حاضر سعی شده زیست - جهان دانشگاه محل تحصیل، مبنای تبیین تحلیل ابعاد هویت دانشجویان قرار گیرد و با مقایسه میانگین شاخص‌های تأیید شده در پیمایش میان

دانشجویان دانشگاه‌های مختلف، میزان گرایش به مؤلفه‌های سنتی و مدرن هویت بین آنها بررسی شود.

**سیمای نمونه مورد تحلیل:** از میان کل پاسخگویان ۲۹/۹ درصد در دانشگاه تهران، ۱۷/۱ درصد در دانشگاه شهید بهشتی، ۲۰/۱ درصد در دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۵/۳ درصد در دانشگاه صنعتی شریف، ۱۰ درصد در دانشگاه الزهرا و ۷/۸ درصد در دانشگاه علمی - کاربردی مشغول به تحصیل بوده‌اند. از میان کل پاسخگویان، ۵۲/۴ درصد رشته علوم انسانی، ۱۴/۵ درصد علوم پایه، ۲۵/۸ درصد فنی و مهندسی و ۷/۱ درصد در رشته هنر بوده‌اند. در بررسی وضعیت تحصیلی دانشجویان از کل جامعه آماری، ۶۷/۵ درصد کارشناسی و ۳۲/۵ درصد دانشجوی کارشناسی ارشد و ۵۳/۷ درصد مرد و ۴۶/۲ درصد زن بودند.

در مورد عضویت در تشکل‌های دانشجویی، از کل پاسخگویان ۲۴ درصد عضو تشکل‌ها بوده‌اند، ۷۱/۷۸ درصد عضو هیچ تشکلی نبوده‌اند. ۴/۳ درصد هم به این سؤال اصلاً پاسخ نداده‌اند. از میان اعضای تشکل‌ها، ۵/۱ درصد عضو انجمن اسلامی، ۸/۳ درصد عضو بسیج دانشجویی، ۰/۶ درصد عضو جهاد دانشگاهی، ۲ درصد عضو جامعه فرهنگی، ۱/۵ درصد عضو شورای صنفی و ۶/۵ درصد عضو انجمن‌های علمی بوده‌اند.

## بررسی تفاوت گرایش به ابعاد سنتی و مدرن هویت در زمینه هویت فرهنگی در میان دانشجویان:

شاخص‌های تأییدشده برای بُعد فرهنگی سنتی عبارتند از: دین‌نهادی و پدرسالاری. شاخص‌های بعد فرهنگی مدرن عبارتند از: دین شخصی و برابری زن و مرد (لازم به ذکر است سایر شاخص‌ها در مطالعه حاضر تأیید نشده‌اند). برای مقایسه گرایش به بعد سنتی و مدرن از آزمون F استفاده شده و به منظور جلوگیری از بالا رفتن حجم مقاله سعی شده نتایج آماری با نمودار نشان داده شود.

**گرایش به دین‌نهادی:** بر اساس نتایج آزمون F و سطح معنی‌داری این آزمون که به مقایسه میانگین گرایش به دین‌نهادی در میان دانشجویان دانشگاه‌های مورد مطالعه می‌پردازد، می‌توان نتیجه گرفت، میانگین گرایش به دین‌نهادی در میان دانشجویان دانشگاه‌های مختلف تفاوت معنی‌داری دارد.

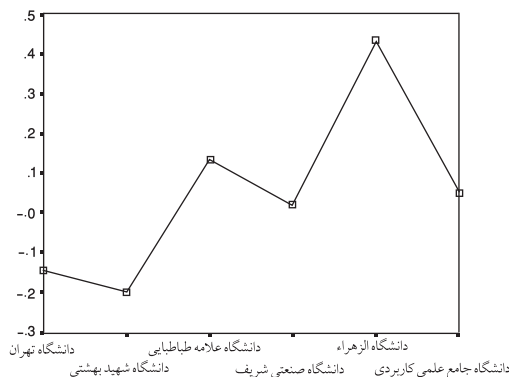


جدول شماره ۳. سطح معنی داری تفاوت میانگین شاخص گرایش به دین نهادی به تفکیک دانشگاه

| مقدار آزمون F | درجه آزادی | سطح معنی داری |                    |
|---------------|------------|---------------|--------------------|
| ۷/۰۹۲         | ۵          | ۰/۰۰۰         | گرایش به دین نهادی |

**گرایش به پدرسالاری:** میانگین گرایش دانشجویان دانشگاه تهران به دین نهادی (با توجه به حجم گسترده آنها) به عنوان مرجع در نظر گرفته شد و میانگین گرایش به دین نهادی دانشجویان سایر دانشگاه‌ها با آن مقایسه شد. در این مقایسه مشخص شد، میانگین گرایش به دین نهادی دانشجویان دانشگاه الزهراء بیشترین اختلاف را با دانشگاه تهران دارد و دانشجویان این دانشگاه به نسبت سایرین، گرایش بیشتری به دین نهادی دارند.<sup>۱</sup>

نمودار شماره ۱. مقایسه تفاوت میانگین شاخص گرایش به دین نهادی دانشجویان دانشگاه تهران با سایرین



**گرایش به پدرسالاری:** بر اساس نتایج جدول شماره ۲ مقدار و سطح معنی داری آزمون F برابر است با ۴/۰۷۴. این آماره بیانگر تفاوت میانگین گرایش به پدرسالاری دانشجویان بعضی از دانشگاه‌ها نسبت به میانگین گرایش سایر دانشجویان به پدرسالاری است.

۱. در تبیین تفاوت میانگین شاخص‌ها در میان دانشگاه‌های متفاوت به منظور خلاصه‌سازی صرفاً به گزارش مقدار آزمون F و سطح معنی داری آن اکتفا شد و از آوردن نتایج آزمون شفه (جز موارد خاص) صرف نظر گردید.



جدول شماره ۴. سطح معنی داری تفاوت میانگین شاخص گرایش به پدرسالاری به تفکیک دانشگاه

| مقدار آزمون F | درجه آزادی | سطح معنی داری |
|---------------|------------|---------------|
| ۴/۰۷۴         | ۵          | ۰/۰۰۱         |

جدول شماره ۵. مقایسه تفاوت میانگین شاخص گرایش به پدرسالاری دانشجویان دانشگاه تهران با سایرین

| آزمون شفه     | دانشگاه             | تفاوت میانگین ها | اثنیاباه استاندارد | سطح معنی داری |
|---------------|---------------------|------------------|--------------------|---------------|
| دانشگاه تهران | شهید بهشتی          | -۰/۱۷۸           | ۰/۲۷۰              | ۰/۹۹۴         |
|               | علامه طباطبایی      | ۰/۳۱۱            | ۰/۲۵۸              | ۰/۹۱۹         |
|               | صنعتی شریف          | ۰/۴۳۹            | ۰/۲۸۰              | ۰/۷۸۴         |
|               | الزهر               | ۱/۱۸۵            | ۰/۳۲۴              | ۰/۰۲۱         |
|               | جامع علمی - کاربردی | ۰/۲۴۹            | ۰/۳۶۵              | ۰/۹۹۳         |

بر اساس نتایج مشخص شد میانگین گرایش به پدرسالاری در میان دانشجویان دانشگاه جامع علمی - کاربردی نسبت به دانشجویان سایر دانشگاه‌ها بیشتر است. در تبیین گرایش دانشجویان دانشگاه علمی - کاربردی می‌توان به اثرات کمتر زیست - جهان دانشگاه در این دانشگاه نسبت به سایر دانشگاه‌ها اشاره کرد، زیرا این دانشجویان زمان کمتری را در محیط دانشگاهی می‌گذرانند (هم از لحاظ طول دوره و هم با توجه به غیرانتفاعی بودن این دانشگاه) و مجبور به کسب و کار در بیرون از دانشگاه هستند که این امر از دو جنبه اثرگذار است: یکی اینکه دانشجوی می‌تواند زمان کمی را در دانشگاه بماند



تا از این طریق هنجارهای این زیست - جهان را درونی کند، از سوی دیگر با توجه به جامعه‌پذیری این افراد در محیط‌های بیرون که در آن مردسالاری به‌خصوص در محیط‌های کاری و کسب و کار در جهان اجتماعی واقعی در ایران، به‌شدت رواج دارد، نگرش مردسالارانه پیدا می‌کنند.

**گرایش به دین شخصی:** در بررسی سطح معنی‌داری تفاوت میانگین گرایش به دین نهادی در میان دانشجویان دانشگاه‌های متفاوت، نتایج آزمون F تأییدکننده این تفاوت بود؛ لذا میانگین گرایش به دین شخصی در میان دانشجویان دانشگاه‌ها متفاوت است.

جدول شماره ۶. سطح معنی‌داری تفاوت میانگین شاخص گرایش به دین شخصی به تفکیک دانشگاه

| مقدار آزمون F | درجه آزادی | سطح معنی‌داری |                        |
|---------------|------------|---------------|------------------------|
| ۶/۳۷۲         | ۵          | ۰/۰۰۰         | شاخص گرایش به دین شخصی |



در مقایسه میانگین گرایش به دین شخصی به عنوان یک بُعد مدرن هویتی، بر اساس نتایج «آزمون شفه» میانگین گرایش به دین شخصی در میان دانشجویان دانشگاه الزهراء پایین‌تر از سایرین است. بنابراین مشخص شد دانشجویان دانشگاه الزهراء نسبت به دانشجویان دانشگاه‌های دیگر گرایش کمتری به ابعاد مدرن هویت دارند.

نمودار شماره ۲. مقایسه تفاوت میانگین شاخص گرایش به دین شخص

دانشجویان دانشگاه تهران با سایرین



گرایش به برابری زن و مرد: در بررسی معنی داری تفاوت میانگین گرایش به برابری زن و مرد بر اساس نتایج آزمون F معنی داری تفاوت این میانگین‌ها تأیید شد.

جدول شماره ۷. سطح معنی داری تفاوت میانگین شاخص گرایش به برابری زن و مرد به تفکیک دانشگاه

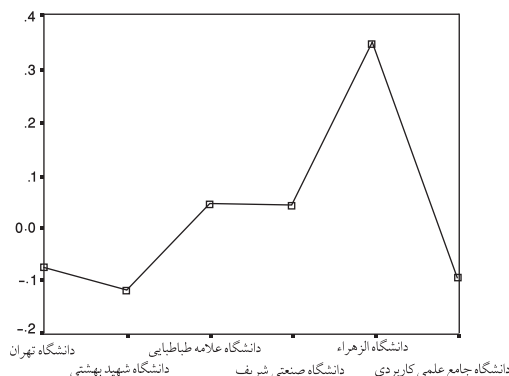
| سطح معنی داری | درجه آزادی | مقدار آزمون F |                               |
|---------------|------------|---------------|-------------------------------|
| ۰/۰۰۱         | ۵          | ۴/۰۷۴         | شاخص گرایش به برابری زن و مرد |

بر اساس نتایج آزمون شفه، میانگین گرایش به برابری زن و مرد در میان دانشجویان دانشگاه الزهرا بیشترین اختلاف را با دانشجویان دانشگاه تهران دارد و از این لحاظ بیشترین گرایش را به برابری زن و مرد دارند.



نمودار شماره ۳. مقایسه تفاوت میانگین شاخص گرایش به برابری زن و مرد

دانشجویان دانشگاه تهران با سایرین



نتایج مربوط به گرایش به پدرسالاری و برابری زن و مرد تأیید می‌کند که دختران دانشجوی بیش از مردان خواستار برقراری برابری در دستیابی به مزایای اجتماعی هستند. این گرایش می‌تواند بیانگر این موضوع باشد که زنان نوعی سلطه مردسالاری را در جامعه احساس کرده‌اند.

نتیجه تجربی حاصل از گرایش زنان به برابری زن و مرد می‌تواند تأییدکننده گرایش‌های فمینیستی برابری خواهانه‌ای باشد که درصدد کسب فرصت‌های برابر برای زنان در مقابل مردان است؛ از سوی دیگر دیدگاه‌های فمینیستی مبتنی بر تفاوت را که از سوی کسانی مانند کارول گیلیگان در مورد «اخلاق مسئولیت زنانه» و «اخلاق تعهد مردانه» ارائه شده است، به چالش می‌کشد.

**بررسی تفاوت گرایش به ابعاد سنتی و مدرن هویت در زمینه هویت اجتماعی در میان دانشجویان:** در بعد سنتی هویت اجتماعی، هیچ‌کدام از شاخص‌های در نظر گرفته شده تأیید نشد. در بعد مدرن هویت اجتماعی، شاخص‌های تأیید شده عبارتند از: اهمیت زندگی فردی برای فرد، دارا بودن هویت جنسی مستقل و گرایش به سبک زندگی مدرن. **گرایش به زندگی فردی برای فرد:** در بررسی سطح معنی‌داری تفاوت میانگین گرایش به زندگی فردی در میان دانشجویان، بر اساس نتایج مقدار آزمون F و سطح معنی‌داری آن، این تفاوت تأیید نشد. بر این اساس، میانگین گرایش به زندگی فردی میان دانشجویان دانشگاه‌های مختلف، تفاوت معنی‌داری با هم ندارد. لذا می‌توان نتیجه گرفت به طور نسبی گرایش به جنبه‌های زندگی فردی در میان دانشجویان دانشگاه‌های مختلف یکسان است.



جدول شماره ۸. سطح معنی‌داری تفاوت میانگین شاخص میزان اهمیت زندگی فردی برای فرد به تفکیک دانشگاه

| سطح معنی‌داری | درجه آزادی | مقدار آزمون F | شاخص میزان اهمیت زندگی فردی برای فرد |
|---------------|------------|---------------|--------------------------------------|
| ۰/۱۲۷         | ۵          | ۱/۷۲۳         |                                      |

گرایش به زندگی فردی بر مبنای گویه‌های «آزادی و استقلال فردی، رضایت از کار و تحصیل، خرج کردن برای خود، گردش و خوشگذرانی و رابطه با جنس مخالف» مورد سنجش قرار گرفته بود.

**احساس هویت جنسی مستقل:** در بررسی سطح معنی‌داری تفاوت میانگین‌های شاخص «دارا



بودن احساس هویت جنسی مستقل» بر اساس نتایج آزمون F، میانگین‌های این شاخص در میان دانشجویان دارای تفاوت معنی‌دار بود.

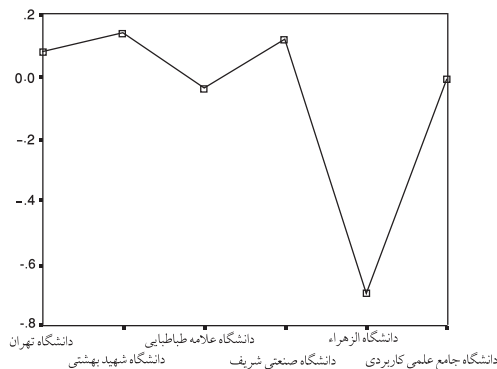
جدول شماره ۹. سطح معنی‌داری تفاوت میانگین شاخص احساس هویت جنسی به تفکیک دانشگاه

| شاخص احساس هویت جنسی | مقدار آزمون F | درجه آزادی | سطح معنی‌داری |
|----------------------|---------------|------------|---------------|
|                      | ۱۱/۰۷۹        | ۵          | ۰/۰۰۰         |

در مقایسه میانگین شاخص احساس هویت جنسی مستقل در میان دانشگاه‌های مختلف بر اساس آزمون شفه، میانگین احساس هویت جنسی مستقل در میان دانشجویان دانشگاه الزهرا بیشترین اختلاف را با سایر دانشگاه‌ها داشت. دانشجویان این دانشگاه نسبت به سایر دانشجویان از احساس هویت جنسی کمتری برخوردارند.



نمودار شماره ۴. مقایسه تفاوت میانگین شاخص احساس هویت جنسی دانشجویان دانشگاه تهران با سایرین



**تحلیل:** در تبیین بالا بودن احساس هویت جنسی در مردان نسبت به زنان می‌توان از دیدگاه‌های روانشناسی اجتماعی جدید کمک جست. مارکوس و کی تایاما (۱۹۹۱) معتقدند در یک برداشت از خود مستقل از دیگران، افراد به صورت جداشده از خود بازنمایی می‌شوند در حالی که در یک برداشت از خود وحدت یافته، دیگران به عنوان بخشی از خود در نظر گرفته می‌شوند. کراس و مدسون (۱۹۹۷) معتقدند یک برداشت از خود

مستقل به صورت یک فردیت جدا، خودمختار و مستقل از دیگران و اجتماع، نه تنها توصیف‌کننده دیدگاه غربی به فرد است بلکه این دیدگاه فردگرایانه بیشتر مردان را در جوامع غربی توصیف می‌کند. آنها معتقدند نهادها و محیط فرهنگی اجتماع بیشتر در زنان عمل می‌کنند. محققان در زمینه هویت معمولاً نظریه‌های هویت را برای هر دو جنس به طور مشترک به کار برده‌اند؛ اما هنوز عدم توافق قابل توجهی در این زمینه وجود دارد که فرایند و زمان تحول هویت در هر دو جنس مشابه باشد. در آغاز، نظریه/اریکسون دارای یک اساس مردانه بود (کرامر، ۲۰۰۰). در این زمینه برخی از نظریه‌پردازان نظریه اریکسون را در مورد توالی شکل‌گیری هویت و سپس ورود به مرحله صمیمیت، صرفاً خاص مردان دانسته و در مورد زنان درست نمی‌دانند. از دیدگاه نظریه‌پردازانی نظیر *دوان* و *آدلسن* (۱۹۶۶) دختران بیش از پسران در روابط بین فردی وارد می‌شوند و بنابراین به مسئله حل بحران هویت آنان باید پس از مرحله صمیمیت توجه شود و یا حداقل مسئله بحران هویت آنان در قالب ارتباط با دیگری مطرح شود (استرنبرگ، ۱۹۹۳ به نقل از رحیمی‌نژاد و احمدی، ۱۳۷۴). *گلیگان* (۱۹۸۲) معتقد است زنان نه تنها خود را در یک بافت ارتباطی تعریف می‌کنند بلکه قضاوت آنها از خود نیز بیشتر بر مبنای توانایی مراقبت از دیگران است. او معتقد است هنگامی که بلوغ انسان مساوی است با استقلال فردی، توجه به ارتباطات به جای یک نیروی انسانی، ضعفی برای زنان تلقی می‌شود (کراگر، ۱۹۹۷). با توجه به نظریه‌های مطرح‌شده انتظار می‌رود زنان و مردان در پردازش اطلاعات مرتبط با خود نیز به شیوه متفاوتی عمل کنند. در این رابطه کراس و مدسون (۱۹۹۷) بر این اعتقادند که مردان به دلیل دارا بودن برداشت مشترک از خود مستقل، بیشتر به اطلاعاتی توجه دارند که فردیت و یکتایی آنها را مشخص کند. آنها این اطلاعات را با توجه به علائق، مهارت‌ها و اسنادهای شخصی رمزگشایی می‌کنند و حافظه خوبی برای اطلاعات مرتبط با خود در اختیار دارند. در مقابل زنان با یک برداشت از خود همبسته، بیشتر به اطلاعات ارتباطی توجه داشته و اطلاعات را بر اساس ارتباطات بین فردی رمزگذاری می‌کنند و حافظه بی‌نظیری در مورد اطلاعات مرتبط با تعریف خود از شکل ارتباطی دارند. بر این اساس فرض می‌شود شواهدی بر تفاوت‌های جنسی در کلیه مراحل پردازش اطلاعات مرتبط با خود وجود دارد. چنانکه/یکز، رابرتسون، توک و تگ (۱۹۸۶) در تحقیق خود نشان دادند، زنان بیش از مردان طی تعامل به شریک خود توجه می‌کنند. آنان نه تنها توجه بیشتری به



دیگران دارند بلکه احتمال بیشتری دارد که به دیدگاه‌های آنان توجه کنند. این دیدگاه به فرد اجازه می‌دهد نیازها و واکنش‌های شریک خود را پیش‌بینی کرده و با سازگار کردن رفتار خود با او امکان تعامل هماهنگ و صحیح را فراهم آورند (کراس و مدسون، ۱۹۹۷). در نهایت با توجه به نظریه کراس و مدسون و نظریه سبک‌های هویتی برزونسکی می‌توان انتظار داشت زنان و مردان به یک نسبت سبک اطلاعاتی را به کار گیرند؛ اما آنها در میزان توجه به دیگری در روابط بین فردی و دریافت و پردازش اطلاعات مرتبط با خود متفاوت هستند. مطالعات و پژوهش‌های داخلی در سال‌های اخیر (احمدیان، ۱۳۸۵؛ رسول‌نسب، ۱۳۸۴؛ برزویی، ۱۳۸۶) که به بررسی روابط بین متغیرهای جنسیت، سطح تحصیلات و سن با وضعیت هویت‌یابی جوانان پرداخته بودند، بیانگر آن است که جنسیت افراد با وضعیت هویت‌یابی آنان رابطی معنادار دارد (راهنا و عبدالملکی، ۱۳۸۷: ۴۳-۴۱).

علاوه بر دیدگاه‌های روانشناسی اجتماعی در تبیین گرایش بیشتر مردان به داشتن هویت جنسی مستقل، دیدگاه‌های فمینیستی نیز به این مسئله پرداخته‌اند. دیدگاه دورتی اسمیت در مورد تجربیات زنان و دیدگاه فمینیست‌های همجنس‌خواه در مورد وابستگی جنسی زنان به مردان، به طور تلویحی تبیین‌کنندهٔ بالا بودن هویت جنسی در مردان نسبت به زنان است. اسمیت می‌گوید: «زنان همچنان مسئول اصلی وظایف خانه، مراقبت از کودکان، مردان و مراقبت روزمرهٔ مادی از خویشان و اعضای خانواده هستند. لذا به میزانی که زندگی زنان بر مراقبت از خانه و خانواده متمرکز است، تجربیاتشان حول دامنه‌ای از فعالیت‌های مشخص، جزئی و روزمره سازمان می‌یابد. زندگی زنان به محل‌ها، زمان‌ها و روابط اجتماعی خاص برای مثال، به خانه، محله، فرزندان و دیگر زنان محدود می‌شود (سیدمن: ۱۳۸۶: ۲۷۵).

فمینیست‌های ناهمجنس‌خواه معتقدند ناهمجنس‌خواهی اساس سلطهٔ مردان را تشکیل می‌دهد. ناهمجنس‌خواهی به منظومه‌ای از اعمال اجتماعی شامل هنجارهای رفتار سبکی و جنسیتی، ایدئولوژی عشق به ناهمجنس و نهاد ازدواج و خانواده اشاره دارد. سیستم ناهمجنس‌خواهی از طریق تنظیم زندگی زنان حول محور منافع، ارزش‌ها و نیازهای مردان به سلطه مردان تداوم می‌بخشد (همان: ۳۲۱-۳۲۰).

**گرایش به سبک زندگی مدرن:** در بررسی سطح معنی‌داری تفاوت میانگین گرایش به سبک زندگی مدرن، بر اساس نتایج آزمون F، تفاوت میانگین‌ها در این زمینه معنی‌دار است. البته



با توجه به مقدار بسیار پایین  $F$  که برابر است با  $۲/۳$ ، این معنی‌داری چندان مهم به نظر نمی‌رسد چراکه در بررسی روابط میان متغیرها و آمارهای توصیفی نیز گرایش به سبک زندگی مدرن در میان همه دانشجویان رواج دارد.

جدول شماره ۱۰. سطح معنی‌داری تفاوت میانگین شاخص گرایش به

سبک زندگی مدرن به تفکیک دانشگاه

| سطح معنی‌داری | درجه آزادی | مقدار آزمون $F$ |                              |
|---------------|------------|-----------------|------------------------------|
| ۰/۰۴۳         | ۵          | ۲/۳۰۵           | شاخص گرایش به سبک زندگی مدرن |

در بررسی تفاوت میانگین گرایش به سبک زندگی مدرن میان دانشجویان دانشگاه تهران با سایر دانشگاه‌ها بر اساس نتایج آزمون شفه در جدول شماره ۱۱ تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.



فصلنامه علمی-پژوهشی

۵۴

دوره دوم  
شماره ۸  
زمستان ۱۳۸۸

جدول شماره ۱۱. مقایسه تفاوت میانگین شاخص گرایش به سبک زندگی مدرن

دانشجویان دانشگاه تهران با سایرین

| سطح معنی‌داری | اشتباه استاندارد | تفاوت میانگین‌ها | دانشگاه                     | آزمون شفه     |
|---------------|------------------|------------------|-----------------------------|---------------|
| ۰/۹۹۸         | ۰/۸۱۲۵۶۲۸۰       | -۰/۰۶۴۴۳۷۳       | دانشگاه شهید بهشتی          | دانشگاه تهران |
| ۱/۰۰۰         | ۰/۱۱۴۵۶۶۷        | ۰/۰۳۴۷۲۳۹        | دانشگاه علامه طباطبایی      |               |
| ۰/۹۹          | ۰/۱۲۵۶۲۸۰        | ۰/۰۹۲۷۸۸۶        | دانشگاه صنعتی شریف          |               |
| ۰/۵۴۴         | ۰/۱۶۴۹۱۰۲        | ۰/۳۳۱۴۲۲۳        | دانشگاه الزهرا              |               |
| ۰/۵۹۲         | -۰/۱۴۷۱۲۱۲       | -۰/۲۸۳۴۲۳۱       | دانشگاه جامع علمی - کاربردی |               |

لذا با توجه به پایین بودن مقدار آزمون  $F$ ، تفاوت معنی‌داری در آزمون شفه حاصل نشد. بر این اساس گرایش به زندگی مدرن در میان دانشجویان دانشگاه‌های مختلف تفاوت

معنی داری ندارد و احتمالاً بیشتر دانشجویان دانشگاه‌ها دارای بُعد هویتی گرایش به سبک زندگی مدرن هستند.

در بررسی تفاوت میانگین ابعاد مدرن هویت، مشخص شد دانشجویان دانشگاه‌های الزهرا و دانشگاه جامع علمی - کاربردی (به دلیل اشتغال و تأهل نمونه مربوط به این دانشگاه و درگیری بیشتر با امور روزمره و زیست - جهان‌های سنتی) به نسبت سایرین گرایش کمتری به این ابعاد هویت دارند.

### بررسی تفاوت گرایش به ابعاد سنتی و مدرن هویت در زمینه هویت سیاسی در میان دانشجویان

گرایش به آمیختگی دین و سیاست: با توجه به نتایج آزمون F، معنی دار بودن تفاوت میانگین‌ها تأیید شد. لذا می‌توان نتیجه گرفت میزان گرایش به آمیختگی دین و سیاست در میان دانشجویان دانشگاه‌های مورد بررسی تفاوت معنی داری با هم دارند.

جدول شماره ۱۲. سطح معنی داری تفاوت میانگین شاخص گرایش به آمیختگی

#### دین و سیاست به تفکیک دانشگاه

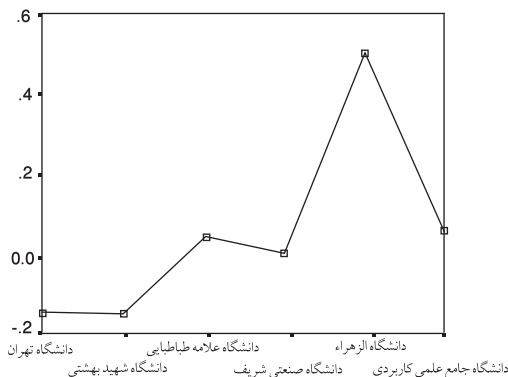
| مقدار آزمون F | درجه آزادی | سطح معنی داری |                                   |
|---------------|------------|---------------|-----------------------------------|
| ۷/۵۹۵         | ۵          | ۰/۰۰۰         | شاخص گرایش به آمیختگی دین و سیاست |

در بررسی نتایج آزمون شفه و مقایسه میانگین سایر دانشگاه‌ها، تنها تفاوت میانگین گرایش به آمیختگی دین و سیاست دانشجویان دانشگاه الزهرا با دانشگاه تهران معنی دار بود و بیشترین اختلاف را با آن داشت. بر این اساس دانشجویان دانشگاه الزهرا بیشتر از سایرین به آمیختگی دین و سیاست به عنوان یک بُعد سنتی هویت گرایش دارند.



نمودار شماره ۵. مقایسه تفاوت میانگین شاخص گرایش به آمیختگی دین و سیاست دانشجویان

### دانشگاه تهران با سایرین



**گرایش به اقتدارگرایی ملی و سیاسی:** با بررسی سطح معنی داری آزمون F تفاوت میانگین گرایش به آمیختگی دین و سیاست در میان دانشجویان دانشگاه‌های مختلف تأیید شد.



فصلنامه علمی-پژوهشی

جدول شماره ۱۳. سطح معنی داری تفاوت میانگین شاخص گرایش به اقتدارگرایی

### ملی سیاسی به تفکیک دانشگاه

| سطح معنی داری | درجه آزادی | مقدار آزمون F | شاخص میزان گرایش به اقتدارگرایی |
|---------------|------------|---------------|---------------------------------|
| ۰/۰۱۶         | ۵          | ۲/۸۱۵         |                                 |

۵۶

دوره دوم  
شماره ۸  
زمستان ۱۳۸۸

نتایج آزمون شفه بیانگر این بود که تنها میانگین گرایش به اقتدارگرایی ملی و سیاسی دانشجویان دانشگاه الزهرا با میانگین دانشجویان دانشگاه تهران (که به عنوان مرجع در نظر گرفته شده بود) معنی دار بود و بیشترین اختلاف را با آن داشت. بر این اساس دانشجویان دانشگاه الزهرا بیش از سایرین به اقتدارگرایی ملی و سیاسی به عنوان یک بُعد سنتی هویت گرایش دارند.

**گرایش به وجود جامعه مدنی:** بر اساس نتایج آزمون F تفاوت میانگین گرایش به برقراری جامعه مدنی در میان دانشجویان دانشگاه‌های مختلف تأیید شد.

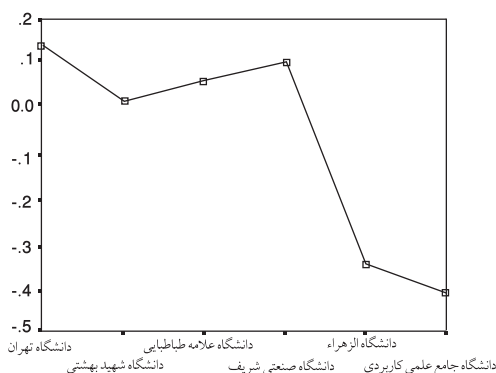
جدول شماره ۱۴. سطح معنی داری تفاوت میانگین شاخص گرایش به وجود جامعه مدنی به تفکیک

| سطح معنی داری | درجه آزادی | مقدار آزمون F | شاخص گرایش به وجود جامعه مدنی |
|---------------|------------|---------------|-------------------------------|
| ۰/۰۰۰         | ۵          | ۷/۰۸۸         |                               |

با مرجع قرار دادن میانگین دانشجویان دانشگاه تهران در آزمون شفه، تفاوت میانگین گرایش به وجود جامعه مدنی دانشجویان دانشگاه جامع علمی کاربردی و دانشگاه الزهرا با دانشگاه تهران معنی دار بود و دانشجویان دانشگاه جامع علمی کاربردی کمترین گرایش را به وجود جامعه مدنی داشتند و پس از آنها دانشجویان دانشگاه الزهرا قرار داشتند.

نمودار شماره ۶. مقایسه تفاوت میانگین گرایش به وجود جامعه مدنی

دانشجویان دانشگاه تهران با سایرین



در تبیین علت گرایش پایین دانشجویان دانشگاه جامع علمی - کاربردی شاید بتوان به اشتغال حجم کثیری از این دانشجویان نسبت به سایر دانشجویان اشاره کرد که این اشتغال و حتی تأهل، آنان را به نسبت سایر دانشجویان با مسائل اصلی دیگری در زندگی درگیر کرده و به نسبت گرایش به آزادی مطبوعات یا آزادی‌های دینی، دغدغه آنها در حوزه‌های دیگر بیشتر است و این مسائل اولویت‌های بعدی آنهاست.



## نتیجه گیری

با توجه به اینکه جامعه ایران بیش از ۱۰۰ سال است که فرایند مدرن شدن را آغاز کرده اما نظرات متفاوتی در مورد مدرن یا سنتی بودن آن وجود دارد. عده‌ای معتقدند جامعه ایران یک جامعه سنتی با منابع معرفتی و هویتی سنتی است. عده‌ای دیگر معتقد به جامعه‌ای در حال گذار و عده‌ای هم معتقد به مدرن بودن ایران هستند. این مقاله با این رویکرد که ایران جامعه‌ای است که هم منابع معرفتی سنتی (دین و ملیت) و هم منابع معرفتی جدید (عقلانیت و شک بنیادی) در آن کمابیش کنار هم قرار گرفته‌اند و شکل دهنده ساختار اجتماعی، نهادها، الگوهای رفتاری و هویت‌یابی هستند، درصدد شناسایی و بررسی ابعاد مختلف هویت دانشجویان برآمد. در این راستا با اخذ رویکرد برساخت‌گرایی به تبیین و تحلیل هویت دانشجویان پرداخت. بر اساس این دیدگاه، هویت برساخته‌ای اجتماعی، دارای سطوح مختلف، سیال و نامتعیین است؛ لذا فرض اصلی مقاله این است که دانشجویان دارای هویتی چندبعدی و چندساحتی و در کل هویتی پیوندی هستند. این هویت متشکل از عناصر سازگار مأخوذ از سنت و مؤلفه‌های دنیای امروز است که از طریق حفظ مبانی فرهنگ دینی و ملی ایران و همزمان تعامل با دنیای جهانی شده امروز شکل گرفته است.

در اینجا بر اساس پرسش‌های مطرح شده به بحث می‌پردازیم. پرسش اولی که در ابتدای مقاله مطرح شده بود این بود که «هویت دانشجویان مشغول به تحصیل در دانشگاه‌های تهران تا چه اندازه منطبق بر الگوی سنتی یا مدرن است؟» با توجه به مقایسه میانگین شاخص‌های مربوط به ابعاد سنتی و مدرن و معنی دار نبودن آن در میان اکثر دانشگاه‌های مورد مطالعه (دانشگاه تهران، شهید بهشتی، علامه طباطبایی، و دانشگاه صنعتی شریف) می‌توان گفت در کل در زیست - جهان دانشگاه و در میان دانشجویان مهم‌ترین دانشگاه‌های تهران، تفاوت معنی‌داری میان گرایش به مؤلفه‌های سنتی و مدرن هویت وجود ندارد. بنابراین دسته‌بندی دانشجویان در دو طیف سنتی و مدرن بر اساس دانشگاه محل تحصیل (حداقل بر اساس نتایج این مقاله) امکان‌پذیر نیست و هویت دانشجویان از الگوی یا این / یا آن یعنی یا سنتی یا مدرن پیروی نمی‌کند بلکه تابع الگوی هم این / هم آن است که ترکیبی از هر دو است. در یک نتیجه کلی در پاسخ به پرسش اول می‌توان گفت در زیست - جهان دانشگاه در میان دانشجویان مهم‌ترین دانشگاه‌های تهران ترکیب دورگه و دوگانه‌ای از عناصر مدرن و سنتی وجود دارد و الگوی هویت دانشجویان تک‌ساحتی و تک‌بعدی نیست.





بر اساس آموزه‌های برساخت‌گرایی منابع هویت نه در جهان مطلق و انتزاعی و نه در جهان زبانی بلکه در جهان واقعی که فرد به طور تجربی در زندگی روزمره با آنها درگیر است و در واقع زیست - جهان‌های فرد را شکل می‌دهند، ساخته می‌شود. علاوه بر این، از نظر این رویکرد منابع هویت متعدد است. یکی از زیست - جهان‌ها و منابع هویت‌یابی دانشجویان دانشگاه است که در کنار زیست - جهان خانواده، محیط کار و غیره بر شکل‌گیری هویت تأثیر دارد.

در بررسی نتایج به‌دست‌آمده و بررسی آنها در پاسخ به سؤال دوم مبنی بر اینکه «دانشگاه محل تحصیل دانشجو (بر مبنای رشته و جنسیت) به عنوان یک زیست - جهان چه نقشی در بر شکل‌گیری هویت سنتی، مدرن یا پیوندی دارد، مشخص شد از میان دانشگاه‌های مورد مطالعه دانشجویان دانشگاه الزهرا (با توجه به تک‌جنسیتی بودن زیست - جهان این دانشگاه) دارای گرایش بیشتری به مؤلفه‌های سیاسی سنتی هویت نسبت به سایر دانشجویان هستند. در کل در بررسی نتایج بر اساس جنسیت، زنان بیشتر به مؤلفه‌های سیاسی سنتی توجه می‌کنند، در حالی که مردان بیشتر به مؤلفه‌های سیاسی مدرن گرایش دارند. لذا در اینجا با لحاظ کردن فضای تک‌جنسیتی دانشگاه می‌توان گفت این فضا در گسترش گرایش‌های سنتی تا حدودی مؤثر است، چنانچه پیشتر گفته شد این امر می‌تواند از ویژگی‌های جنسیتی زنان متأثر باشد، اما محیط و فضای تک‌جنسیتی نیز آن را تقویت کرده است.

در تحلیل گرایش بیشتر زنان و دختران به مؤلفه‌های سنتی هویت در مقایسه با مردان و پسران می‌توان چنین بحث کرد که بر اساس دیدگاه‌های رایج اجتماعی، زنان بیشتر از مردان وضعیت موجود را پذیرفته و در صدد حفظ آن هستند، لذا با توجه به بافت کلی جامعه ایران که بافتی سنتی (یا متمایل به سنت) است زنان کمتر از مردان حاضر به پذیرش ریسک و امور نو و ناشناخته (فارغ از جنبه‌های صوری و ظاهری پدیده‌های نو) هستند، زیرا چیزهای نو ممکن است امنیت روانی و ذهنی آنها را بر هم زند. در واقع زنان به دلیل روحیات خاص، ریسک‌پذیری کمتری نسبت به مردان دارند، لذا بیشتر از مردان هم به دنبال حاشیه‌های امن روانی و اجتماعی هستند و تا حدودی تقدیرگرایی در آنها بیشتر است. البته بر اساس نظریات فمینیستی، زنان به نحوی جامعه‌پذیر می‌شوند که نقشی تابع مردان را بپذیرند (سیدمن، ۱۳۷۶: ۲۷۳)؛ از این رو می‌توان گفت جستجوی حاشیه



امن و تقدیرگرایی زنان می‌تواند ناشی از سرکوب، تحدید و محروم نگه داشتن آنان از فرصت‌های برابر با مردان باشد که در طول تاریخ توسط نظام مردسالار تحمیل شده و در میان زنان نهادینه شده است. اما دلیل این امر هرچه باشد در تحقیق حاضر نمی‌تواند مانع نتیجه‌گیری فوق مبنی بر گرایش بیشتر زنان به مؤلفه‌های سنتی باشد.

در تبیین گرایش مردان به ابعاد مدرن هویت به‌خصوص ابعاد سیاسی آن می‌توان از نظریه‌های مربوط به مردانگی نیز کمک جست. بر اساس نظریات مربوط به مردانگی، انسان‌های مذکر می‌آموزند که چه رفتارها و نقش‌های اجتماعی برای مردان مناسب است. یادگرفتن مردانگی به معنای آموختن اعمال قدرت است. مردان به گونه‌ای اجتماعی می‌شوند که خصایص شخصیتی، ارزش‌ها و رفتارهایی را بپذیرند که آنها را تشویق و قادر به کسب قدرت می‌کند؛ پسرها با احساس استحقاق و تمایل نسبت به نقش‌های واجد اقتدار، بزرگ می‌شوند. پسرها یاد می‌گیرند و این آموزه پس از بلوغ نیز به کرات تقویت می‌شود که مردانگی نیازمند مصمم بودن در کنترل امور، هدفمندی، ستیزه‌جویی و موفق بودن است که موفقیت نیز بر اساس ثروت و قدرت اجتماعی تعریف می‌شود. خلاصه آنکه، مردان به لحاظ روانی برای حاکم بودن ساخته می‌شوند (همان: ۲۹۳)؛ لذا در دوره مدرن نیز آنها برای تداوم حاکمیت سعی دارند ملزومات دنیای مدرن را پیش از زنان کسب کنند.

در پاسخ به پرسش سوم مبنی بر اینکه «در میان دانشگاه‌های مهم در تهران چه تفاوتی میان گرایش دانشجویان (شاغل به تحصیل در این دانشگاه‌ها) به مؤلفه‌های سنتی و مدرن وجود دارد؟» باید گفت نتایج بیانگر اختلاف این امر صرفاً در دانشگاه‌هایی است که فضا یا زیست - جهان آکادمیک در آنها به طور کامل حاکم نیست و این امر به دلیل حضور قوی منابع هویتی بیرون از دانشگاه (جامعه، خانواده، دوستان و...) است. در ارجاع به رویکرد برساخت‌گرایی باید گفت تعدد منابع هویتی عامل اصلی در تنوع ابعاد هویتی است اما میزان قدرت تأثیر هر منبع منوط به پایین بودن تأثیر سایر منابع است. در دو دانشگاه الزهرا و دانشگاه جامع علمی - کاربردی (در اولی به دلیل تک‌جنسیتی بودن و در دومی به دلیل حضور کمتر در محیط دانشگاهی) اثرات زیست - جهان دانشگاه در تعدیل و اثرات منابع هویتی خارج از دانشگاه کمتر از بقیه دانشگاه‌هاست.

معنی دار نبودن تفاوت میانگین شاخص‌های مربوط به ابعاد سنتی و مدرن هویت در میان دانشجویان سایر دانشگاه‌ها که متشکل از دانشجویان رشته‌های مختلف و اعضای



تشکل‌های متفاوت هستند، بیانگر این است که هویت اکثر دانشجویان این دانشگاه‌ها قابل تقلیل به یک بعد (سنتی یا مدرن) نیست و در واقع هم مؤلفه‌های سنتی و هم مؤلفه‌های مدرن نقش اساسی در این زمینه دارند. اما از آنجاکه میان دو مؤلفه اصلی هویت مدرن در بعد اجتماعی یعنی گرایش به زندگی فردی و گرایش به سبک زندگی مدرن، تفاوت معنی‌داری وجود نداشت و در بحث هویت فرهنگی میانگین گرایش به دین شخصی بیشتر از میانگین گرایش به دین‌نهادی بود. نتیجه می‌گیریم مؤلفه‌های مدرن هویت در بخش اجتماعی و فرهنگی نقش برجسته‌تری نسبت به مؤلفه‌های سنتی دارند. اما در بخش هویت سیاسی، این مؤلفه‌های سنتی یعنی گرایش به آمیختگی دین و سیاست و گرایش به اقتدارگرایی ملی و سیاسی است که در مقابل گرایش به وجود جامعه مدنی نقش برجسته‌تری در هویت دانشجویان دارد. معنی‌دار نبودن تفاوت میانگین شاخص‌های اشاره‌شده در میان دانشجویان دانشگاه‌های مهم و مادر در تهران یعنی دانشگاه تهران، شهید بهشتی، علامه طباطبایی و دانشگاه صنعتی شریف بیانگر این نکته است که نمی‌توان یک‌سویه ابعاد فرهنگی، اجتماعی و سیاسی هویت دانشجویان را ذیل مؤلفه‌های سنتی یا مدرن دسته‌بندی کرد. بهترین برداشت از هویت دانشجویان، پذیرش پیوندی بودن هویت آنان است که بر اساس دیدگاه برساخت‌گرایی و نقش منابع متعدد در هویت‌یابی و اینکه این منابع در جهان واقعی و روزمره فرد وجود دارد، استوار است. می‌توان گفت قشر دانشجو در تعامل با زیست-جهان‌های متفاوت (درون دانشگاه و بیرون از آن) به طور مداوم به بازاندیشی در هویت خود اقدام کرده و آن را بازتولید می‌کند. در پایان می‌توان نتیجه گرفت دانشجویان مشغول به تحصیل در دانشگاه‌های تهران دارای هویتی پیوندی هستند هرچند ممکن است بعضی از آنها دارای گرایش‌های سنتی قوی‌تر یا گرایش‌های مدرن قوی‌تری باشند



## منابع

- احمدیان، ر. (۱۳۸۵) «طراحی مدل ساختار هویت‌یابی در جوانان با تأکید بر مؤلفه‌های شناختی»، *مجله اندیشه‌های نوین تربیتی*، دوره -، شماره ۵۶، صص -.
- برزویی، م. (۱۳۸۶) «شناخت هویت دانش‌آموزان بر اساس جنسیت و رشته تحصیلی آنان در دانش‌آموزان مدارس مقطع متوسطه شهر سمنان»، *مجله اندیشه‌های نوین تربیتی*، شماره ۵۰، صص -.
- برگر، پیتر و همکاران (۱۳۸۱) *ذهن بی‌خانمان، نوسازی و آگاهی*، مترجم: محمد ساوجی، تهران: نشر نی.
- بروجردی، م. (۱۳۷۷) *روشنفکران ایرانی و غرب*، مترجم: جمشید شیرازی، تهران: فرزانه.
- تاجیک، م. (۱۳۸۴) *روایت‌گری و هویت در میان ایرانیان*، تهران: فرهنگ‌گفتمان.
- جنکیز، ر. (۱۳۸۱) *هویت اجتماعی*، مترجم: نورج یاراحمدی، تهران: شیرازه.
- راهنما، ا. و عبدالملکی، ص. (۱۳۸۷) «درآمدی بر مبانی نظری هویت: بررسی نقش دانشگاه و جنسیت در هویت‌یابی»، *ماهنامه مهندسی فرهنگی*، نشریه تخصصی شورای عالی انقلاب فرهنگی، سال سوم، شماره ۲۱ و ۲۲، صص ۳۵-۴۶.
- سروش، ع. (۱۳۷۵) «ذهنیت مشوش، هویت مشوش»، *کیان*، دوره، ش ۳۰، صص ۳۵-۳۰.
- سیدمن، اس. (۱۳۸۶) *کشمکش آرا در جامعه‌شناسی*، مترجم: هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- شادمان، ف. (۱۳۸۲) *تسخیر تمدن فرنگی*، تهران: گام نو.
- شایگان، د. (۱۳۵۶) *آسیا در برابر غرب*، تهران: باغ آینه
- شریعتی، ع. (۱۳۶۴) «بازگشت به خویشتن»، *مجموعه آثار*، ج ۳۱، دفتر تدوین و تنظیم آثار دکتر علی شریعتی.
- عنایت، ح. (۱۳۵۱) «سیاست ایران‌شناسی»، *نگین*، شماره ۸۸، صص ۸-۵.
- کچویان، ح. (۱۳۸۴) *تطورات گفتمان‌های هویتی در ایران*، تهران: نشر نی.
- گیدنز، آ. (۱۳۸۲) *تجدد و تشخیص*، مترجم: ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
- مسکوب، ش. (۱۳۷۹) *هویت ایرانی و زبان فارسی*، تهران: فرزانه.
- نصر، ح. (۱۳۶۱) *خاطرات سید نصر*، مصاحبه با حسن ضیایی، اکتبر ۱۹۸۲ و ژانویه ۱۹۸۳، ماساچوست.
- نگری، آ. و هارت، مایکل (۱۳۸۶) *انبوه خلق*، مترجم: رضا نجف‌زاده، تهران: نشر نی.
- هال، استوارت (۱۳۸۳) «هویت‌های قدیم و جدید، قومیت‌های قدیم و جدید»، مترجم: شهریار وقفی‌پور، *فصلنامه ارغنون*، شماره ۲۴، صص ۳۱۹-۳۵۲.



Cramer, P. (2000) "Development on Identity: Gender Makes a Difference", *Journal of Research in Personality*, Vol.29 (34): 341-361.

Cross, S. E & Medson, L. (1997) "Models of the Self-Construal and Gender", *Psychological Bulletin*, Vol. 122(1): 5-37.

Hall, S. (1987) *Minimal Selves in Identity: The Real Me*, ICA Document 6, London: Institute for Contemporary Arts.

\_\_\_\_\_ (1990) "Cultural Identity and Diaspora" in Rutherford, J. (ed), *Identity*,

London: Lawrence and Wishart.

Kroger, J. (Eds) (1997) *Identity in Adolescence, The Balance between Self and Other*, London and New York: Routledge.

Lauer, S. (2008) *Identity: Sociological Perspectives*, Cambridge: Polity Press.



فصلنامه علمی-پژوهشی

۶۳

ابعاد فرهنگی،  
اجتماعی، سیاسی ...